

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآوردگی در مقابل
راکد ماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی

**Personality development in adulthood: prediction of
generativity vs stagnation based on personality
supertraits**

Kh. Mo'meni, Ph.D.

دکتر خدامراد مؤمنی *

O. Davarinejad, Ph.D.

دکتر عمران داوری نژاد **

H. Shahi, M.A.

حسن شاهی ***

P. Janjani, M.A.

پریسا جانجانی ****

M.N. Miri, M.A.

میرنادر میری *****

چکیده

مطابق با تحولات نوین دانیل مک‌آدامز (۲۰۰۴) در دیدگاه سنتی و پایه اریکسون، تکلیف تحولی دوره میانسالی برقراری تعادل بین پدیدآوردگی و راکد ماندگی است. در این پژوهش

*. دانشیار روانشناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه

** . استادیار روانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

*** . کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس

**** . کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه

***** . کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه تهران

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآوردگی در مقابل راکدماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی

رابطه بین پنج رگه بزرگ شخصیتی و تحول شخصیت در دوره میانسالی (پدیدآوردگی - راکدماندگی) مورد بررسی قرار گرفت. همچنین تلاش شده است تا سهم این رگه‌های بزرگ شخصیتی در پیش‌بینی پدیدآوردگی و راکدماندگی نیز مورد مطالعه قرار گیرد. نمونه پژوهش شامل ۳۰۰ نفر (۱۵۰ مرد و ۱۵۰ زن) از کارکنان سازمان‌های آموزش و پرورش و مدارس استان همدان بود که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به‌منظور گردآوری اطلاعات از مقیاس پدیدآوردگی لویولا (LGS) (۱۹۹۲)، مقیاس راکدماندگی برادلی (BBS) (۱۹۹۷) و پرسشنامه پنج عاملی شخصیتی نتو (NEO) (۱۹۹۲) استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج تحلیل‌های همبستگی نشان داد که بین رگه شخصیتی «روان‌آزردگی‌گرایی» و «پدیدآوردگی» رابطه منفی وجود داشت ($P < 0/01$)؛ و بین رگه‌های شخصیتی «برونگردی»، «وجدانی‌بودن»، «دلپذیری»، «تجربه‌پذیری»، «پدیدآوردگی» و «رگه‌های بزرگ» رابطه مثبت وجود داشت ($P < 0/01$). از سویی دیگر؛ بین رگه شخصیتی «روان‌آزردگی‌گرایی» و «راکدماندگی» رابطه مثبت وجود داشت ($P < 0/01$)؛ و بین رگه‌های شخصیتی «برونگردی»، «وجدانی‌بودن»، «دلپذیری»، «تجربه‌پذیری» و «راکدماندگی» رابطه منفی وجود داشت ($P < 0/05$). نتایج تحلیل رگرسیون همزمان نشان داد که رگه‌های بزرگ شخصیتی می‌توانند «پدیدآوردگی» و «راکدماندگی» را به‌صورت معناداری پیش‌بینی کنند ($P < 0/05$). بر اساس نتایج این پژوهش، بین رگه‌های بزرگ شخصیتی و «تحول شخصیت در دوره میانسالی» رابطه معناداری وجد دارد. بدین معنا که؛ نمرات بالا در «روان‌آزردگی‌گرایی» می‌تواند به «راکدماندگی» در دوره میانسالی منجر شود. و از سویی دیگر، کسب نمرات بالا در «برونگردی»، «وجدانی‌بودن»، «دلپذیری»، «تجربه‌پذیری» می‌تواند به «پدیدآوردگی» در دوره میانسالی منجر شود.

واژه-کلیدها: پدیدآوردگی، راکدماندگی، رگه‌های شخصیتی.

Abstract

According to Daniel McAdams's (2004) modern developments in Erikson's traditional standpoint, the Developmental Task of Middle Age is

The Equilibrium between Generativity and Stagnation. In the current study, the relationship between the Big Five Personality Traits and Personality Development in Middle age (Generativity - Stagnation) has been investigated. It has also been attempted to study the contribution of these Big Five Personality Traits in the prediction of Generativity and Stagnation. The sample includes 300 people (include 150 male and 150 female) have been chosen from among Education Ministry Offices of Hamedan selected by multiple-stage Cluster Sampling method. Loyola Generativity Scale (LGS) (1992) and Bradley Based Stagnation Scale (BBS) (1997) and brief form of Neo Personality Inventory (NEO) (1992) were used for data gathering. For data analysis, Pearson correlation and Regression were used. The results of correlation analysis indicated that there was a negative relation between the personality trait of "Neuroticism" and "Generativity" ($P < 0.01$); and there was a positive relation between the personality traits of "Extraversion", "Conscientiousness", "Agreeableness", "Openness to Experience", and "Generativity" ($P < 0.01$). On the other hand, there was a positive relation between the personality trait of "Neuroticism" and "Stagnation" ($P < 0/1$); and there was a negative relation between the personality traits of "Extraversion", "conscientiousness", "Agreeableness", "Openness to Experience", and "Stagnation" ($P < 0.01$). The results of regression analysis showed that Big Five Personality Traits could significantly predict "Generativity" and "Stagnation" ($P < 0.05$). According to the results of this study, there is a significant relationship between the Big Five Personality Traits and personality development in middle age. That is, the high scores in "Neuroticism" can lead to "Stagnation" in the middle age. On the other hand, achieving high scores in "Extraversion", "Conscientiousness", "Agreeableness", "Openness to Experience" can lead to "Generativity" in the middle Age.

Keywords: generativity, stagnation, personality characteristics.

Contact information: *Hassanshahi84@gmail.com*

مقدمه

روانشناسی تحولی به بررسی تحول فردی (پدیدآیی فردی)^۱ از نطفه تا دوره سالمندی

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآوردگی در مقابل راکدماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی می‌پردازد (ابنر، فروند، و بالتس، ۲۰۰۶؛ شایبه، فروند، و بالتس، ۲۰۰۷؛ دمروتی، بیکر، و لایتر، ۲۰۱۴). مفروضه اصلی روانشناسی تحولی این است که تحول در بزرگسالی به اتمام نمی‌رسد، بلکه کل مسیر زندگی را تا زمان مرگ در بر می‌گیرد. در این دیدگاه، پدیدآیی کلی ذهن و رفتار به صورت پویا، چندبعدی، چندکنشی، و غیرخطی است (فروند، ۲۰۰۸). بالتس، استاودینگر، و لیندنبرگر (۱۹۹۹) دو شیوه اصلی نظریه‌پردازی در حیطه روانشناسی تحولی را معرفی کرده‌اند: فردمحور (کل نگر) ^۲ و کنش‌محور ^۳. رویکرد کل نگر، فرد را به صورت یک نظام در نظر می‌گیرد و دوره‌های سنی را به یک الگوی کلی تحول فردی در تمام عمر، ارتباط می‌دهد. نظریه مراحل هشتگانه اریک اریکسون (۱۹۶۳)، نمونه‌ای از این رویکرد است. رویکرد کنش‌محور بر «مقوله‌ای از رفتار» تمرکز کرده و تغییرات آن را در گستره عمر بررسی می‌کند. نظریه شخصیتی مک کرا و کوستا (۱۹۹۲) نمونه‌ای از این رویکرد می‌باشد.

اریکسون با اتخاذ اصل زیست‌شناختی پدیدآیی جمعی ^۴، یک چهارچوب مرحله‌ای متوالی را برای «تحول من» ترسیم کرده است که در آن هر دوره تحولی به صورت نظام‌دار با سایر مراحل در ارتباط است. بر اساس دیدگاه اریکسون، پدیدآوردگی «در درجه اول عبارتست از نگرانی و توجه برای بنیانگذاری و راهنمایی نسل آینده» (اریکسون، ۱۹۸۲). تکلیف بحرانی روانشناختی این مرحله، دستیابی به تعادل بین پدیدآوردگی و راکدماندگی است. نیروی مرکزی پرورش‌یافته به وسیله پدیدآوردگی، «مراقبت» ^۵ است که شامل مراقبت کردن از «چیزی»، مراقبت کردن از «کسی»، مراقبت کردن از «آنچه نیازمند محافظت و توجه است» و مراقبت کردن از «آنچه مخرب و ویرانگر است» می‌باشد (ساوچوک، ۲۰۱۵). راکدماندگی - قطب مخالف پدیدآوردگی - بیانگر یک «موضع‌گیری نادیده‌انگارانه» ^۶ نسبت به جهان است. راکدماندگی به معنای «جذب خود شدن» تعبیر شده است که نشان‌دهنده عدم مراقبت از دیگران و فقط مراقبت از خود است. سطح افراطی راکدماندگی به «طرد» ^۷ منجر می‌شود، که به صورت «عدم تمایل به سهم کردن دیگران در توجه پدیدآورنده خود» تعریف شده است. بنابراین، حل تعارض «پدیدآوردگی - راکدماندگی» نیازمند یکپارچه‌سازی ویژگی‌های «مراقبت» و «طرد» است (شوکلش و باومن، ۲۰۱۲).

مطابق با تحولات نوین برادلی و مارشیا (۱۹۹۸) برجسته‌ترین ویژگی‌های راکدماندگی و

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآورندگی در مقابل راکد ماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی

پدیدآورندگی عبارتند از «درگیری»^۸ و «فراگیری»^۹. درگیری عبارتست از «نگرانی و توجه فعالانه برای تحول خود و دیگران»، و یا به عبارت دیگر «یک حس مسئولیت‌پذیری برای گسترش دادن و به اشتراک گذاشتن دانش خود و احساس تعهد نسبت به دیگران». فراگیری به این اشاره دارد که نگرانی پدیدآورنده فرد «چه کسی یا چه چیزی را در بر می‌گیرد و یا مستثنی می‌کند». این مؤلفان با ترکیب کردن معیارهای درگیری و فراگیری، و برحسب اینکه این معیارها «خود» یا «دیگران» و یا هر دو را دربر بگیرند به پنج وضعیت^{۱۰} دست یافتند که نشان‌دهنده چگونگی حل و فصل تعارض این مرحله روانی اجتماعی است. این وضعیت‌ها عبارتند از: وضعیت پدیدآورنده (درگیری و فراگیری بالا، هم با خود و هم با دیگران)، وضعیت قراردادی (درگیری بالا با خود و دیگران، اما فراگیری پایین با خود و دیگران)، وضعیت مستقلانه^{۱۱} (درگیری و فراگیری بالا با خود، و درگیری و فراگیری پایین با دیگران)، وضعیت اشتراکی^{۱۲} (درگیری و فراگیری بالا با دیگران، و درگیری و فراگیری پایین با خود)، و وضعیت راکد مانده (درگیری و فراگیری پایین، هم با خود و هم با دیگران).

گسترده‌ترین پیشرفت‌ها در مفهوم پدیدآورندگی، توسط دانیل مک آدامز به وجود آمده است (مک آدامز، ۲۰۱۱؛ مک آدامز و دی سانت. آوبین، ۱۹۹۲؛ مک گریگور، مک آدامز، و لیتل، ۲۰۰۶). بر اساس دیدگاه مک آدامز و دی سانت. آوبین (۱۹۹۲)، پدیدآورندگی از هفت ویژگی روانی اجتماعی تشکیل یافته است که ترکیبی از عوامل فردی و اجتماعی را نشان می‌دهد. این ویژگی‌ها به ترتیب عبارتند از: ۱- مطالبات فرهنگی^{۱۳}. شامل دو دسته ویژگی است. الف) انتظارات تحولی؛ یعنی همانطور که افراد به دهه‌های ۳۰ و ۴۰ زندگی وارد می‌شوند جامعه از آن‌ها انتظار دارد که برای نسل آینده احساس مسئولیت کنند. ب) فرصت‌های اجتماعی؛ یعنی جامعه منابع و فرصت‌های شغلی و ایدئولوژیکی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. ۲- تمایل درونی^{۱۴}. دو دسته تمایل شناسایی شده‌اند. الف) میل برای نامیرایی نمادین؛ که نشان‌دهنده بعد فردی پدیدآورندگی است؛ یعنی افراد بزرگسال از طریق ایجاد میراثی جاودان سعی می‌کنند مرگ را به مبارزه بطلبند. ب) میل به مورد نیاز بودن توسط دیگران؛ میل به تربیت، یاری رساندن، و ارشاد دیگران، در واقع نشان‌دهنده بعد میان‌فردی پدیدآورندگی است. ۳- توجه به مسائل نسل آینده^{۱۵}. مطالبات فرهنگی و تمایلات درونی با هم ترکیب شده و در

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآوردگی در مقابل راکد ماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی

فرد بزرگسال یک نگرانی و توجه هشیارانه را نسبت به نسل آینده به وجود می‌آورد. ۴- ایمان به نوع بشر^{۱۶}. یعنی اعتماد داشتن به انسان و امیدوار بودن به اینکه گونه انسان می‌تواند به پیشرفت‌های بهتری دست یابد و جهان بهتری را بسازد. ۵- تعهد^{۱۷}. از دو طریق به انجام می‌رسد: الف) اتخاذ یک مجموعه تصمیم‌هایی برای نسل آینده، و ب) بنا نهادن یک سری اهداف برای نسل آینده. تعهد به صورت مستقیم تحت تأثیر نگرانی و ایمان به نوع بشر قرار دارد و آن‌ها نیز به مطالبات فرهنگی و تمایل درونی وابسته‌اند. ۶- عمل^{۱۸}. احساس تعهد فرد را به سمت انجام اعمال پدیدآورنده از سه طریق سوق می‌دهد: الف) ایجاد کردن یک محصول یا یک میراث برای نسل آینده است که نشان‌دهنده گسترش دادن خود است. ب) نگهداری، بازپروردن، و یا حفظ آنچه تصور می‌شود ارزشمند است. مانند پرورش فرزندان، نگهداری از محیط و ایفای نقش در مدرسه، خانه و اماکن مذهبی. ج) اهدا و ایثار کردن آنچه ایجاد و حفظ شده است به نسل آینده. و ۷- روایت^{۱۹}، یک داستان ذهنی که فرد درباره پدیدآوردگی خودش ایجاد می‌کند، و برای زندگی یک هدف و معنا ترسیم می‌سازد. هر فرد بزرگسال در درون یک بافت ویژه تاریخی و اجتماعی قرار گرفته است و این هفت ویژگی به صورت یگانه برای هر فرد ترکیب شوند. لازمه درک کاملی از پدیدآوردگی، در نظر گرفتن هر هفت ویژگی به صورت یکپارچه است.

پژوهش‌ها نشان داده است که افراد پدیدآورنده در مجموعه‌ای از متغیرها که نشان‌دهنده سلامت روانشناختی هستند نمرات بالایی را کسب می‌کنند. این متغیرها عبارتند از، تحول من (کووک و کوو، ۲۰۱۶)، رواندرستی فاعلی (ارلیخ و بیپ، ۲۰۱۶)، رضایت زندگی (مک‌گریگور و همکاران، ۲۰۰۶)، و معنویت‌گرایی (جیمز و فاین، ۲۰۱۵). در مجموع، مطالعات نشان می‌دهند که افراد پدیدآورنده علاقه بیشتری به اجتماعی کردن افراد جوان دارند، بیشتر با سایر افراد جامعه در ارتباطند، و سلامت روانشناختی بهتری را نشان می‌دهند (فرنچ، پرت، و نوریس، ۲۰۰۷).

در چهارچوب نظریه‌پردازی به شیوه دوم در پهنه روانشناسی تحولی گستره عمر، الگوی پنج عامل بزرگ شخصیتی (مک‌کرا و کوستا، ۱۹۹۲؛ تراسیانو، مک‌کرا، و کوستا، ۲۰۱۰) ارائه شده است. آیزنک معتقد است که شخصیت از رگه‌ها و عواملی تشکیل شده است که می‌توان آنها را به وسیله «تحلیل عوامل» آشکار ساخت. وی سه دسته از رگه‌ها را مشخص نموده

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآوردگی در مقابل راکد ماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی است: «برونگردی در برابر درونگردی»^{۲۰}، «روان‌آزردگی‌گرایی در برابر استواری هیجانی»^{۲۱} و «روان‌گسستگی‌گرایی در برابر مهار برانگیختگی»^{۲۲} (برت، پیترایدز، آیزنک، و آیزنک، ۱۹۹۸). کوستا و مک‌کرا (۱۹۹۲) پس از مطالعات طولانی پنج عامل نیرومند که بعدها به نظریه پنج عامل بزرگ شهرت یافت، معرفی کردند. پنج عامل مذکور عبارتند از «برونگردی»، «روان‌آزردگی‌گرایی»، «تجربه‌پذیری»^{۲۳}، «خوشایندی»^{۲۴}، و «وجدانی‌بودن»^{۲۵}. در این نظریه مهمترین ویژگی «افراد روان‌آزرده‌وار»؛ نگرانی، ناایمنی و عصبی بودن است. «افراد برونگرد»؛ مردم‌آمیز، پرحرف، لذت‌جو و با محبت هستند. «افراد تجربه‌پذیر»؛ مبتکر، مستقل، سازنده و شجاع می‌باشند. ویژگی‌های «افراد خوشایند» نیز عبارتند از خوش‌قلبی، دلسوزی، ساده‌دلی و مؤدب بودن. همچنین مهمترین ویژگی «افراد وجدانی»؛ دقیق بودن، قابل اعتماد بودن، سخت‌کوش و منظم بودن است.

پژوهشگران متعددی نقش عوامل شخصیتی را در رابطه با متغیرهای گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی پژوهشگران معتقدند که «وجدانی‌بودن» مهمترین ویژگی افرادی است که موفقیت تحصیلی دارند (پوروپات، ۲۰۰۹؛ اکانر و پائونون، ۲۰۰۷). در مسیری دیگر، هنلی (۲۰۱۶) به ردیابی عناصر «ذهن‌آگاهی» در گستره عوامل بزرگ شخصیتی پرداخت و نشان داد که بین «ذهن‌آگاهی هدفمند» و «روان‌آزردگی‌گرایی» رابطه منفی معناداری وجود دارد. و بین «وجدانی‌بودن» و «ذهن‌آگاهی هدفمند» رابطه مثبتی گزارش شد. در برخی کوشش‌ها نیز ارتباط پنج عامل بزرگ شخصیتی با بیماری‌های قلبی نیز مورد بررسی قرار گرفته است (برای مثال؛ ساوولاینن، اریکسون، کایانتی، پسونن، و رایکونن، ۲۰۱۵). در کوششی متفاوت، استراود، مک‌ناتن - کسپیل، و فومن (۲۰۱۵) به نقش عوامل شخصیتی در زمینه راهبردهای کنار آمدن با تنیدگی پرداختند. و نشان دادند که تمام پنج عامل شخصیتی به‌صورت معناداری با راهبردهای «کنار آمدن فعال» و «کنار آمدن پیشگیرانه» همبسته هستند. علاوه بر این؛ وجدانی‌بودن و تجربه‌پذیری هر دو نوع راهبرد کنار آمدن را پیش‌بینی نمودند، اما برونگردی و روان‌آزردگی‌گرایی تنها توانستند راهبرد کنار آمدن فعال را پیش‌بینی نمایند. دسته گسترده‌ای از پژوهشگران نیز الگوی پنج عامل بزرگ شخصیتی را در ارتباط با متغیرهای مختلف مرتبط با پهنه شخصیت مورد بررسی قرار داده‌اند. این متغیرها عبارتند از: ریخت شخصیتی D (هوروود،

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآوردگی در مقابل راکدماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی انگلیس، و تولی، ۲۰۱۵)، مهارگری شغلی (وو، ۲۰۱۶)، اختلالات شخصیت (کرگو و ویدیگر، ۲۰۱۵)، تفکر خلاق (کائو، ۲۰۱۶)، لکنت زبان (جعفری، شاهبداغی، عشایری، کیهانی، و بازیار، ۲۰۱۴)، نظام‌های مغزی (سگارا، پوی، لویز، و مولتو، ۲۰۱۴). ملاحظه می‌شود که پژوهشگران به ارزشیابی الگوی پنج عامل بزرگ شخصیتی در بستر گستره عمر (و خصوصاً در قالب یک نظریه مدون همانند دیدگاه اریکسون) نپرداخته‌اند.

با در نظر گرفتن نقش تعیین‌کننده افراد میانسال در اداره نهادهای گوناگون جامعه، و نظر به نقش اساسی این قشر از جامعه به‌عنوان عناصر اصلی تحول فرزندان و فراهم آوردن زمینه برای استقرار نسل آینده، بررسی و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر سلامت عمومی این گروه از جامعه حائز اهمیت است. بنابراین، در این پژوهش قصد بر این است که رابطه پنج عامل بزرگ (رگه‌های شخصیتی) با مؤلفه‌های مطرح شده اریکسون درباره دوره میانسالی (پدیدآوردگی - راکدماندگی) مورد بررسی قرار گیرد. هر دو الگو، از الگوهای بزرگ شخصیتی در حیطه روانشناسی گستره عمر می‌باشند.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین «روان‌آزردگی‌گرایی» و «پدیدآوردگی - راکدماندگی» رابطه وجود دارد.
- ۲- بین «برونگردی» و «پدیدآوردگی - راکدماندگی» رابطه وجود دارد.
- ۳- بین «تجربه‌پذیری» و «پدیدآوردگی - راکدماندگی» رابطه وجود دارد.
- ۴- بین «دلپذیری» و «پدیدآوردگی - راکدماندگی» رابطه وجود دارد.
- ۵- بین «وجدانی‌بودن» و «پدیدآوردگی - راکدماندگی» رابطه وجود دارد.

تعاریف مفهومی و عملی متغیرها

۱- **پدیدآوردگی:** عبارتست از نگرانی و تعهد درباره ارتقاء نسل آینده از طریق والدگری، تدریس، نصیحت کردن و ایجاد محصولات و پیامدهایی که هدفشان فایده رساندن به جوانان است، و همچنین پرورش رواندرستی و تحول افراد و نظام‌های اجتماعی است که بعد از فرد باقی خواهند ماند (مک‌آدامز، ۲۰۰۸). در این پژوهش، پدیدآوردگی از طریق نمره افراد در مقیاس پدیدآوردگی لویولا (LGS) اندازه‌گیری می‌شود.

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآورندگی در مقابل راکدماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی

۲- **راکدماندگی:** عبارتست از عدم برقراری تعامل مبتنی بر مراقبت با دنیای پیرامون و عدم توجه به نیازهای دیگران، همراه با خودرضایت‌مندی بسیار پایین در فرد (برادلی، ۱۹۹۷). در این پژوهش، راکدماندگی از طریق نمره افراد در مقیاس راکدماندگی برادلی (BBS) اندازه‌گیری می‌شود.

۳- **رگه‌های شخصیت:** ابعادی از تفاوت‌های فردی در گرایش به نشان دادن الگوهای ثابت و پایدار افکار، احساسات و فعالیت‌ها هستند (تراسیانو، مک کرا و کوستا، ۲۰۱۰).

مک کرا و کوستا (۱۹۹۲)، پنج رگه اصلی شخصیت را به صورت زیر مفهوم‌سازی نموده‌اند: **الف) روان‌آزردگی‌گرایی:** تمایل عمومی به تجربه عواطف منفی چون ترس، غم، دست‌چاچی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت. **ب) پروتگرادی:** تمایل عمومی به جامعه‌گرایی، دوست داشتن مردم، فعال بودن، پرحرف بودن، ترجیح گروه‌های بزرگ و گردهمایی‌ها، سرخوشی و انرژی بالا. **ج) تجربه‌پذیری:** تمایل عمومی به تصور فعال، احساس زیباپسندی، توجه به احساسات درونی، تنوع طلبی، کنجکاوی ذهنی و استقلال در قضاوت. **د) دل‌پذیری:** تمایل عمومی به نوع‌دوستی، همدردی با دیگران، کمک به دیگران و دریافت کمک متقابل. **و) وجدانی‌بودن:** تمایل عمومی به هدفمند بودن، بااراده و مصمم بودن، مهارخود، سازماندهی و انجام وظایف محوله به نحو مطلوب. در این پژوهش، رگه‌های شخصیتی از طریق نمره افراد در پرسشنامه NEO (فرم کوتاه) اندازه‌گیری می‌شوند.

روش

طرح پژوهش: پژوهش حاضر در حیطه پژوهش‌های توصیفی (از نوع همبستگی) قرار می‌گیرد. یعنی هدف اصلی عبارت بود از دستیابی به رابطه بین متغیرهای پیش‌بین (پنج رگه بزرگ شخصیت)، با متغیر ملاک (پدیدآورندگی - راکدماندگی).

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش: جامعه آماری، شامل کلیه کارمندان آموزش و پرورش استان همدان بود. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. به این صورت که ابتدا از میان تمامی سازمان‌های آموزش و پرورش استان همدان، شش سازمان به صورت تصادفی انتخاب شدند. پس از آن، پژوهشگران به سازمان‌های

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآوردگی در مقابل راکدماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی مورد نظر مراجعه کرده و پرسشنامه‌ها را در بین کارمندان و معلمان توزیع کردند. در مجموع نمونه پژوهش حاضر را ۳۰۰ کارمند (۱۵۰ زن و ۱۵۰ مرد) سازمان‌های آموزش و پرورش استان همدان تشکیل می‌دهد.

ابزار پژوهش:

مقیاس پدیدآوردگی لویولا (*LGS*)^{۲۶}: توسط مک آدامز و دی‌سانت. آوین (۱۹۹۲) ساخته شده است. دارای ۲۰ سؤال است که در آن همه سؤال‌ها در یک مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای از ۰ (هرگز) تا ۳ (همیشه)، سنجیده می‌شوند. سؤال‌های ۲، ۵، ۹، ۱۳، ۱۴، و ۱۵ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه نمرات بین ۰ تا ۶۰ است. نمرات بالاتر در این مقیاس نشان‌دهنده این است که فرد به میزان بیشتری از عهده تکالیف پدیدآوردگی برآمده است. «درستی آزمایی سازه» مقیاس، از طریق همگرایی با زیرمقیاس پدیدآوردگی اوچس و پلاگ (۱۹۸۶) مورد حمایت واقع شده است. در دو بررسی که با استفاده از این مقیاس انجام شده است «قابلیت اعتماد» ۰/۸۳ و ۰/۸۴ برای آن به دست آمد. آلفای کرونباخ برای ۲۰ سؤال ۰/۸۲ گزارش شده است (مک آدامز و دی‌سانت. آوین، ۱۹۹۲).

مقیاس راکدماندگی برادلی (*BBS*)^{۲۷}: این مقیاس به وسیله برادلی (۱۹۹۷) ارائه شده است. دارای ۳۲ سؤال است. به صورت لیکرت پنج درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) است. دامنه نمرات بین ۳۲ تا ۱۶۰ است. نمرات بالا نشان‌دهنده این است که فرد به خوبی از عهده تکالیف مرحله هفت تحول روانی اجتماعی برنیامده است و به سمت راکدماندگی گرایش دارد. «درستی آزمایی وابسته به ملاک» این مقیاس از طریق همبستگی‌های معنا دار با اندازه‌های همزمان مقیاس رفتار والدینی گنت^{۲۸} (فن لیوون و ورمولست، ۲۰۰۴) مورد تأیید واقع شده است. در ارتباط با «درستی آزمایی سازه»، تحلیل عامل ساختار چهار بعدی این مقیاس را تأیید کرده است (فن لیوون و ورمولست، ۲۰۰۴). آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۶ گزارش شده است (برادلی، ۱۹۹۷).

پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی نئو (*NEO-FFI*)^{۲۹}: این پرسشنامه، فرم کوتاه شده «پرسشنامه شخصیتی نئو»^{۳۰} می‌باشد که در سال ۱۹۹۲ تهیه شده و دارای ۲۴۰ سؤال می‌باشد. فرم کوتاه نئو دارای ۶۰ سؤال می‌باشد و پنج رگه بزرگ شخصیتی را می‌سنجد. آزمودنی‌ها بر اساس یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالف، مخالف، بی تفاوت، موافق و کاملاً موافق) وضعیت

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآوردگی در مقابل راکدماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی خود را در هر سؤال گزارش می‌دهند. برای هر عامل ۱۲ سؤال وجود دارد. مک کرا و کوستا (۱۹۹۲) «درستی‌آزمایی همزمان» این پرسشنامه را قابل قبول گزارش کردند. آلفای کرونباخ برای رگه‌های بزرگ «روان‌آزردگی گرای» «برونگردی»، «تجربه‌پذیری»، «دلپذیری» و «وجدانی‌بودن» به ترتیب عبارتند از ۰/۸۴، ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۵ و ۰/۸۳. در ایران نیز پژوهشگران (گروسی فرشی، مهریار و قاضی طباطبایی، ۱۳۸۰) «درستی‌آزمایی» و «قابلیت اعتماد» پرسشنامه مذکور را تأیید کرده‌اند.

داده‌ها یافته‌ها

ابتدا در مورد معناداری ضرایب همبستگی پیرسون ارائه شده در جدول شماره (۱) بحث خواهد شد. سپس، از طریق تحلیل رگرسیون، به تبیین سهم متغیر پیش‌بین در واریانس متغیر ملاک خواهیم پرداخت.

جدول ۱: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	پدیدآوردگی	۱						
۲	راکدماندگی	۰/۲۳**	۱					
۳	روان‌آزردگی گرای	-۰/۳۵**	۰/۳۹**	۱				
۴	برونگردی	۰/۱۸**	-۰/۲۸**	-۰/۳۳**	۱			
۵	تجربه‌پذیری	۰/۲۳**	-۰/۱۷**	-۰/۱۰*	-۰/۱۳*	۱		
۶	دلپذیری	۰/۴۱**	-۰/۱۱*	-۰/۴۸**	۰/۳۶**	۰/۱۱*	۱	
۷	وجدانی‌بودن	۰/۴۷**	-۰/۱۸*	-۰/۴۷**	۰/۵۷**	۰/۱۹**	۰/۶۶*	۱

**/۰۱ */۰۵

همانگونه که جدول شماره (۱) نشان می‌دهد رگه شخصیتی «روان‌آزردگی گرای» با «پدیدآوردگی» رابطه منفی و با «راکدماندگی» رابطه مثبت معناداری دارد. و چهار رگه شخصیتی دیگر با «پدیدآوردگی»، دارای رابطه مثبت و با «راکدماندگی» دارای رابطه منفی معناداری می‌باشند. به‌منظور بررسی رابطه خطی میان رگه‌های بزرگ شخصیتی و «پدیدآوردگی - راکدماندگی»، و نیز بررسی سهم متغیرهای پیش‌بین (پنج رگه بزرگ شخصیتی) در واریانس متغیر ملاک (پدیدآوردگی - راکدماندگی)، از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج این تحلیل در جداول شماره (۲) و (۳) آمده است.

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآوردگی در مقابل راکدماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی

جدول ۲: خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون رگه‌های شخصیتی با پدیدآوردگی

F	R ²	R	P	β	B	متغیرهای پیش‌بین
۲۴/۰۷	۰/۲۹	۰/۵۳	۰/۰۲	-۰/۱۳	-۰/۱۶	روان‌آوردگی‌گرایی
			۰/۰۹	-۰/۱۰	-۰/۱۶	برونگردی
			۰/۰۲	۰/۱۲	۰/۲۲	تجربه‌پذیری
			۰/۰۱	۰/۱۶	۰/۲۰	دلپذیری
			۰/۰۰۰۱	۰/۳۵	۰/۳۸	وجدانی‌بودن

همانطور که جدول شماره (۲) نشان می‌دهد رگه شخصیتی «وجدانی‌بودن» به صورت مثبت و معنادار ($\beta = ۰/۳۵$, $P < ۰/۰۰۰۱$)، قویترین عامل پیش‌بینی‌کننده «پدیدآوردگی» است. در واقع، به ازای یک واحد تغییر در نمره «وجدانی‌بودن» به اندازه ۰/۳۵ تغییر در نمره «پدیدآوردگی» به وجود می‌آید. رگه شخصیتی «تجربه‌پذیری» به صورت مثبت و معناداری ($\beta = ۰/۱۲$, $P < ۰/۰۲$) پیش‌بینی‌کننده «پدیدآوردگی» می‌باشد. در این مورد، به ازای یک واحد تغییر در نمره «تجربه‌پذیری» به اندازه ۰/۱۲ تغییر در نمره «پدیدآوردگی» به وجود می‌آید. عامل شخصیتی «دلپذیری» نیز به صورت مثبت و معناداری ($\beta = ۰/۱۶$, $P < ۰/۰۱$) پیش‌بینی‌کننده «پدیدآوردگی» می‌باشد. در این مورد، به ازای یک واحد تغییر در نمره «دلپذیری» به اندازه ۰/۱۶ تغییر در نمره «پدیدآوردگی» به وجود می‌آید. نهایتاً، عامل شخصیتی «روان‌آوردگی‌گرایی»، به صورت منفی و معناداری ($\beta = -۰/۱۳$, $P < ۰/۰۲$) پیش‌بینی‌کننده «پدیدآوردگی» می‌باشد. در این مورد، به ازای یک واحد تغییر در نمره «روان‌آوردگی‌گرایی»، به اندازه -۰/۱۳ تغییر در نمره سبک «پدیدآوردگی» به وجود می‌آید.

جدول ۳: خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون رگه‌های شخصیتی با راکدماندگی

F	R ²	R	P	β	B	متغیرهای پیش‌بین
۱۸/۸۰	۰/۲۴	۰/۴۹	۰/۰۰۰۱	۰/۴۰	۱/۰۴	روان‌آوردگی‌گرایی
			۰/۰۰۰۱	-۰/۳۰	-۰/۹۹	برونگردی
			۰/۰۰۰۱	-۰/۲۱	-۰/۸۱	تجربه‌پذیری
			۰/۰۴۷	۰/۱۳	۰/۳۵	دلپذیری
			۰/۰۶۰	۰/۱۴	۰/۳۳	وجدانی‌بودن

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآوردگی در مقابل راکدماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی

همانطور که جدول شماره (۳) نشان می‌دهد رگه شخصیتی «روان‌آزردگی گرای» به صورت مثبت و معنادار ($\beta = ۰/۴۰, P < ۰/۰۰۰۱$)، قویترین رگه پیش‌بینی‌کننده «راکدماندگی» است. در واقع، به‌ازای یک واحد تغییر در نمره «روان‌آزردگی گرای» به اندازه ۰/۴۰ تغییر در نمره «راکدماندگی» به‌وجود می‌آید. رگه شخصیتی «برونگردی»، به‌صورت منفی و معناداری ($\beta = -۰/۳۰, P < ۰/۰۰۰۱$) پیش‌بینی‌کننده «راکدماندگی» می‌باشد. در این مورد، به‌ازای یک واحد تغییر در نمره «برونگردی»، به اندازه ۰/۳۰- تغییر در نمره «راکدماندگی» به‌وجود می‌آید. رگه شخصیتی «تجربه‌پذیری» نیز به‌صورت مثبت و معناداری ($\beta = ۰/۲۱, P < ۰/۰۰۰۱$) پیش‌بینی‌کننده «راکدماندگی» می‌باشد. در این مورد، به‌ازای یک واحد تغییر در نمره «تجربه‌پذیری» به اندازه ۰/۲۱- تغییر در نمره «راکدماندگی» به‌وجود می‌آید.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش و نظریه گستره عمر در راستای سه مؤلفه اساسی تحول است: (۱) مشابهت‌های (ترتیبات) میان‌فردی^{۳۱} در تحول، (۲) تفاوت‌های میان‌فردی^{۳۲} در تحول، و (۳) شکل‌پذیری درون‌فردی^{۳۳} در تحول. با توجه به این مؤلفه‌ها و بررسی تعاملات سنی آن‌ها، پایه‌های مفهومی و روش‌شناختی تحول فراهم می‌شود (فروند، ۲۰۰۸).

پژوهش حاضر نیز در این چهارچوب به انجام رسیده است. هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی رابطه رگه‌های بزرگ شخصیتی با «پدیدآوردگی - راکدماندگی» در دوره میان‌سالی بود. نتایج نشان داد که رگه شخصیتی «روان‌آزردگی گرای»، «پدیدآوردگی» را به‌صورت منفی و معنادار، و «راکدماندگی» را به‌صورت مثبت و معناداری پیش‌بینی می‌کند. این یافته با بسیاری از پژوهش‌های صورت گرفته (جیمز و فاین، ۲۰۱۵؛ کووک و کوو، ۲۰۱۶) هم‌راستا می‌باشد. در تبیین یافته مذکور، باید به این نکته اشاره کرد که در افراد «روان‌آزرده‌وار»، افسردگی و اضطراب زمینه‌ساز انفعال شده و باعث می‌شود که نتوانند برای انجام کارهای مختلف، خود را آماده و منظم کنند. یکی دیگر از ویژگی‌های افراد «روان‌آزرده‌وار»، کنش‌وری «برانگیخته» است. به‌نظر می‌رسد که این ویژگی نیز می‌تواند منجر به عدم حرکت به سمت «پدیدآوردگی» و نیل به سوی «راکدماندگی» شود. به این صورت که لازمه «بارآوری -

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآوردگی در مقابل راکدماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی پدیدآوردگی»، داشتن «خودمهارگری»، «خودتعیینی»، و «خودنظم‌جویی» است. حال آنکه برانگیخته عمل کردن در تقابل با چنین ویژگی‌هایی قرار دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که رگه شخصیتی «تجربه‌پذیری»، «پدیدآوردگی» را به صورت مثبت و معنادار، و «راکدماندگی» را به صورت منفی و معناداری پیش‌بینی می‌کند. یعنی افرادی که علاقمند به تجارب جدید هستند و در تجربه‌اندوژی «باز» عمل می‌کنند، به میزان بیشتری به سمت «پدیدآوردگی» گرایش دارند. این یافته هم جهت با پژوهش‌های فرنچ و همکاران (۲۰۰۷)، مک گریگور و همکاران (۲۰۰۶)، بود. افراد «پدیدآورنده» ترس از شکست ندارند و یا دچار بی‌زاری از فعالیت در جریان نمی‌شوند. به همین شکل، افرادی که ویژگی «تجربه‌پذیری» در آن‌ها زیاد است، از تجربه موقعیت‌ها، مسائل، مشکلات و ارزیابی‌های جدید هراس ندارند و همواره مشتاق رویارویی با چنین تجاربی هستند. به نظر می‌رسد که این افراد به واسطه خلاقیتی که در برخورد با مسائل دارند، همیشه با کنجکاوی مستمر، راه‌حل‌های فائق آمدن بر مسائل خود را پیدا می‌کنند. به نظر می‌رسد که ویژگی عدم ترس از شکست باعث می‌شود که افراد «تجربه‌پذیر»، به میزان بیشتری بیشتری به سمت «پدیدآوردگی» گرایش پیدا کنند و همواره به فکر بهتر شدن باشند.

سایر نتایج این پژوهش نشان داد که رگه شخصیتی «برونگردی» قادر به پیش‌بینی «پدیدآوردگی» نیست، اما «راکدماندگی» را به صورت منفی و معناداری پیش‌بینی می‌نماید. این یافته با پژوهش ساوولاین و همکاران (۲۰۱۵) هم‌راستا، و ناهمسو با پژوهش استراود و همکاران (۲۰۱۵) است. باید یادآور شد که برونگردها، افرادی هستند که تمایل به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و ایجاد ارتباط زیاد با دیگران دارند. این ویژگی باعث می‌شود که این افراد بیشتر وقت خود را صرف تعاملات اجتماعی نمایند و از این فرصت‌ها برای انتقال اطلاعات و دانش خود به دیگران استفاده کنند و عملکردی در تضاد با «راکدماندگی» از خود نشان می‌دهند (هورود و همکاران، ۲۰۱۵).

نتایج نشان داد که رگه شخصیتی «دلپذیری» به صورت مثبتی قادر به پیش‌بینی «پدیدآوردگی» است. یعنی افراد «دلپذیر» همانند «تجربه‌پذیر»ها، در هنگام مواجهه با

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآوردگی در مقابل راکد ماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی

رویدادهای تنش‌زا، از کمک‌ها و مساعدت‌های دیگران استفاده می‌نمایند و همواره از روابط اجتماعی برای انتقال دانش و خود به دیگران و نسل آینده بهره می‌جویند. این یافته همسو با یافته‌های سگارا و همکاران (۲۰۱۴)، و ناهمسو با یافته‌های کرگو و ویدیگر (۲۰۱۵) می‌باشد. مرور ویژگی‌های افرادی که شخصیت «دلپذیر» دارند، مانند خوش‌قلبی، دلسوزی، ساده‌دلی، مؤدب بودن و نوع‌دوستی، عمدتاً ویژگی‌هایی هستند که زمینه را برای تقویت روابط با دیگران و بهره‌گیری از این ویژگی‌ها برای «پدیدآوردگی» فراهم می‌آورند.

نهایتاً، نتایج نشان داد که رگه شخصیتی «وجدانی‌بودن» به صورت مثبتی قادر به پیش‌بینی «پدیدآوردگی» است. این یافته با بسیاری از پژوهش‌های صورت گرفته (هنلی، ۲۰۱۶؛ آکانر و پائونون، ۲۰۰۷) هم‌راستا می‌باشد. همانطور که ذکر شد، افراد «وجدانی»، افسردگی و اضطراب نسبتاً پایینی را تجربه می‌کنند، و کنش‌وری «برانگیخته» ندارند و به دنبال آن هستند تا برنامه‌ها و وظایف خود را به نحو احسن به انجام برسانند. به نظر می‌رسد که این ویژگی‌ها زمینه را برای برقراری روابط ثمربخش و یاری‌رسان در مواقع تنش‌زا فراهم آورده و به مسائل سایرین نیز توجه فزاینده می‌نمایند.

ملاحظه می‌شود که از بین پنج عامل بزرگ شخصیتی، همه عوامل به جز «برونگردی» قادر به پیش‌بینی «پدیدآوردگی - راکد ماندگی» هستند. ویژگی‌های ناکارآمد موجود در افراد «روان‌آزرده‌وار» (افسردگی و اضطراب) موجب می‌شود که آنها در موقعیت‌های تنش‌گر قادر نباشند از «پدیدآوردگی» بهره‌مند شوند و بیشتر از سایر افراد به سمت «راکد ماندگی» گرایش داشته باشند. از سویی دیگر، لازمه بهره‌گیری از «پدیدآوردگی»، دارا بودن ویژگی‌هایی نظیر «خودمهارگری»، «داشتن نظم و انضباط و برنامه‌ریزی در کارها»، «مسئولیت‌پذیری»، «کارآمدپنداری»، «دوراندیشی در تصمیم‌گیری» و «هدفمند بودن»، است. افراد «تجربه‌پذیر»، دارای تصورات فعال، حساسیت به زیبایی، تجربه‌های عاطفی درونی، و داوری مستقل هستند. این افراد «باز»، انسان‌هایی هستند که در باروری تجربه‌های درونی و دنیای پیرامون کنجکاو بوده و زندگی آنها سرشار از تجربه است. این افراد طالب لذت بردن از نظریه‌های جدید و ارزش‌های غیرمتعارف هستند و در مقایسه با افراد «بسته»، احساسات مثبت و منفی فراوانی تجربه دارند (مک کرا، ۲۰۰۴). به گونه کلی، این توانایی را دارند که خود را به گونه‌ای تحریک و

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآوردگی در مقابل راکد ماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی

ترغیب کنند که کار را به‌نحوی بهینه شروع کنند و ادامه دهند. این افراد به‌واسطه آسودگی خیال و آرامش ناشی از انجام کارها، خودمهارگری بالایی دارند و این امر موجب می‌گردد که «برانگیخته» عمل نکنند و برای هر تکلیف و فعالیتی که در پیش‌رو دارند، با تأمل و برنامه‌ریزی عمل نمایند و مدیریت زمان داشته باشند.

پی‌نوشت‌ها:

- | | |
|---|--|
| 1- Ontogenesis | 2- Person-centered (Holistic) |
| 3- Function-centered | 4- Epigenesis |
| 5- Care | 6- Lethargic Stance |
| 7- Rejectivity | 8- Involvement |
| 9- Inclusivity | 10- Status |
| 11- Agentic Orientation | 12- Communal Style |
| 13- Cultural Demand | 14- Inner Desire |
| 15- Concern for the Next Generation | 16- Belief in Species |
| 17- Commitment | 18- Actions |
| 19- Narration | 20- Extraversion vs Introversion |
| 21- Neuroticism vs Emotional Stability | 22- Psychoticism vs Impulse Control |
| 23- Openness to Experience | 24- Agreeableness |
| 25- Conscientiousness | 26- Loyola Generativity Scale |
| 27- Bradley Based Stagnation Scale | 28- Ghent Parental Behavior Scale |
| 29- Neo Five Factor Inventory (NEO-FFI) | 30- Neo Personality Inventory (NEO-PI-R) |
| 31- Interindividual commonalities | 32- Interindividual differences |
| 33- Intraindividual plasticity | |

منابع و مأخذ فارسی:

گروسی فرشی، میرتقی؛ مهریار، امیرهوشنگ؛ و قاضی طباطبایی، محمود. (۱۳۸۰). آزمون جدید شخصیتی نئو بررسی تحلیل ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال یازدهم، شماره ۳۹، ۱۹۸-۱۷۳.

منابع و مآخذ خارجی:

- Baltes, P.B., Staudinger, U.M., & Lindenberger, U. (1999). Life-span Psychology: Theory and Application to Intellectual Functioning. *Annu. Rev. Psychol.*, 50, 471-507.
- Barrett, P.T., Petrides, K. V., Eysenck, S.B.G., & Eysenck, H. J. (1998). The Eysenck Personality Questionnaire: an examination of the factorial similarity of P, E, N, and L across 34 countries. *Personality and Individual Differences*, 25, 5, 805-819.
- Bradley, C.L. (1997). Generativity–stagnation: Development of a status model. *Developmental Review*, 17, 262-290.
- Bradley, C.L., & Marcia, J.E. (1998). Generativity-stagnation: A five-category model. *Journal of Personality*, 66, 39-64.
- Costa, P.T., & McCrae, R.R. (1992). *NEO-PI professional manual*. Odessa, Florida: Psychological Assessment Resources.
- Crego, C., & Widiger, T.A. (2015). Five Factor Model of Personality, Personality Disorder. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition)*, 242-248.
- Demerouti, E., Bakker, A.B., & Leiter, M. (2014). Burnout and Job Performance: The Moderating Role of Selection, Optimization, and Compensation Strategies. *Journal of Occupational Health Psychology*, 19, 96-107.
- Ebner, N.C., Freund, A.M., & Baltes, P.B. (2006). Developmental Changes in Personal Goal Orientation From Young to Late Adulthood: From Striving for Gains to Maintenance and Prevention of Losses. *Psychology and Aging*, 21, 4, 664-678.
- Ehrlich, C., & Bipp, T. (2016). Goals and subjective well-being: Further evidence for goal-striving reasons as an additional level of goal analysis. *Personality and Individual Differences*, 89, 92-99.
- Erikson, E.H. (1963). *Childhood and society*. New York: W.W. Norton & Company. (Original work published 1950)
- Erikson, E.H. (1982). *The life cycle completed*. New York: W.W. Norton & Company.
- Frensch, K.M., Pratt, M.W., & Norris, J.E. (2007). Foundations of Generativity: Personal and family correlates of emerging adults' generative life-story themes. *Journal of Research in Personality*, 41, 1, 45-62.
- Freund, A. (2008). Successful Aging as Management of Resources: The Role of Selection, Optimization, and Compensation. *Research in Human Development*, 5(2), 94-106.

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآوردگی در مقابل راکدماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی

- Hanley, A.W. (2016). The mindful personality: Associations between dispositional mindfulness and the Five Factor Model of personality. *Personality and Individual Differences, 91*, 154-158.
- Horwood, S., Anglim, J., Tooley, G. (2015). Type D personality and the Five-Factor Model: A facet-level analysis. *Personality and Individual Differences, 83*, 50-54.
- Jafari, R., Shahbodaghi, R., Ashayeri, H., Keyhani, M., & Baziyar, M. (2014). The Five Factor Model of Personality and Stuttering. *Procedia - Social and Behavioral Sciences, 127*, 307-310.
- James, A.G., & Fine, M.A. Relations between youths' conceptions of spirituality and their developmental outcomes. *Journal of Adolescence, 43*, 171-180.
- Kwok, J.Y.C., & Ku, B.H.B. (2016). Elderly people as "apocalyptic demography"? A study of the life stories of older people in Hong Kong born in the 1930s. *Journal of Aging Studies, 36*, 1-9.
- Leandro, P.G., & Castillo, M.D. (2010). Coping with stress and its relationship with personality dimensions, anxiety, and Depression. *Procedia - Social and Behavioral Sciences, 5*, 1562-1573.
- McAdams, D.P. (2008). Personal narratives and the life story. In O.P. John, R.R. Robins, & L.A. Pervin (Eds.), *Handbook of personality: Theory and research* (3rd ed., pp. 241-261). New York: Guilford Press.
- McAdams, D.P. (2011). *George W. Bush and the redemptive dream: A psychological portrait*. New York: Oxford University Press.
- McAdams, D.P., & de St. Aubin, E. (1992). A theory of Generativity and its assessment through self-report, behavioral acts, and narrative themes in autobiography. *Journal of Personality and Social Psychology, 62*, 1003-1015.
- McCrae, R.R., & Costa, P.T. (1992). Toward a new generation of personality theories: Theoretical contexts for the five factor model. In J.S. Wiggins (Ed.), *the five factor model of personality: Theoretical perspectives* (PP. 51-87). New York: Guilford Press.
- McGregor, I., McAdams, D.P., & Little, B.R. (2006). Personal projects, life stories, and happiness: On being true to traits. *Journal of Research in Personality, 40* (5), 551-572.
- O'Connor, M.C., & Paunonen, S. V. (2007). Big Five personality predictors of post-secondary academic performance. *Personality and Individual Differences, 43*, 971-990.

تحول شخصیت در بزرگسالی: پیش‌بینی پدیدآوردگی در مقابل راکدماندگی بر اساس رگه‌های بزرگ شخصیتی

- Ochse, R., & Plug, C. (1986). Cross-cultural investigation of the validity of Erikson's theory of personality development. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50, 1240-1252.
- Poropat, A.E., (2009). A meta-analysis of the five-factor model of personality and academic performance. *Psychol Bull.* 135(2): 322-38.
- Savolainen, K., Eriksson, J.G., Kajantie, E., Pesonen, A-K., & Räikkönen, K. (2015). Associations between the five-factor model of personality and leukocyte telomere length in elderly men and women: The Helsinki Birth Cohort Study (HBCS). *Journal of Psychosomatic Research*, 79, 3, 233-238.
- Sawchuk, D. (2015). Aging and older adults in three Roman Catholic magazines: Successful aging and the Third and Fourth Ages reframed. *Journal of Aging Studies*, 35, 221-228.
- Scheibe, S., Freund, A.M., & Baltes, P.B. (2007). Toward a Developmental Psychology of Sehnsucht (Life Longings): The Optimal (Utopian) Life. *Developmental Psychology*, 43, (3), 778-795.
- Schoklitsch, A., & Baumann, U. (2012). Generativity and aging: A promising future research topic? *Journal of Aging Studies*, 26, 3, 262-272.
- Segarra, P., Poy, R., López, R. & Javier Moltó, J. (2014). Characterizing Carver and White's BIS/BAS subscales using the Five Factor Model of personality. *Personality and Individual Differences*, 61-62, 18-23.
- Straud, C., McNaughton-Cassill, M., & Fuhrman, R. (2015). The role of the Five Factor Model of personality with proactive coping and preventative coping among college students. *Personality and Individual Differences*, 83, 60-64.
- Terracciano, A., McCrae, R.R., & Costa Jr. P.T. (2010). Intra-individual change in personality stability and age. *Journal of Research in Personality*, 44, 1, 31-37.
- Van Leeuwen, K.G., & Vermulst, A.A. (2004). Some psychometric properties of the Ghent Parental Behavior Scale. *European Journal of Psychological Assessment*, 20, 283-298.
- Wu, C-H. (2016). Personality change via work: A job demand-control model of Big-five personality changes. *Journal of Vocational Behavior*, 92, 157-166.